

## دریای خون

خالقا شد ملک ما ویران زنا اهلان دون  
سالها شد ملت مان گردیده اند، غرقه بخون  
قرب نیم قرن اخیر، افغان ستان گشته خراب  
دشمنان مُلک و دین مان، هارند درجنون  
زندگی اکثر مردم به زیر خط فقر  
نخبه گان کشورم، راهی شدند در پولیگون\*  
شد حدود سه ملیون، هم میهنان ما شهید  
بالغ از شش ملیون دیگر، گشته از کشور برون  
آنزمانیکه غنی، آن پست بی ناموس گریخت  
شد بکشور هرج و مرج ناگهان، از حد فزون  
میهنم کانجا بودی دایم کمتر فاضلان  
باوجود آن بگشتند آنچه بود، از حد برون  
رهبران جانیان، اندر لباس خا دمان  
کرده اندچوروچپاول، از وطن بی چند و چون  
خورده اند این بی خدایان حق مظلومان همیشه  
هیچ رحمی هم نداشتند بریتیمان، زبون  
آن یکی با ریش بلندتر، ظالمی است بی بدیل  
آخرش راهی شود، در قهر دوزخ سر نگون  
جانیان بیحد نمودند در میهنم قتل و قتال  
دشت و صحرای وطن، از خون شهیدان لاله گون

آنکه از حکمت ندارد، ذره بوئی در مَشام  
کردتصاحب لقب قصاب کابل، از کشت خون  
کن تو آخر یا الهی، رحم خود بر مُلک مان  
ده نجات افغان ستان، از شرّ بی دینان دون  
عاقبت این جانیان نزد تو آیند بر حساب  
بس کن دیگر "حیدری"، تحریر این دریای خون

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۲، ۹، ۲۰۲۲، سدنی

\*- پولیگون، قتلگاه بی گناهان کشور توسط نوکران اجانب.